

فلا فلسفہ

روایتی نواز فلسفہ کی اسلامی

یاسر حسین پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

(حجرات: ۱۳)



سرشناسه	: حسین پور، یاسر، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: فلاح فلسفه: روایتی نو از فلسفه اسلامی (هستی شناسی)/ یاسر حسین پور.
مشخصات نشر	: قم: نشر ادیان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۱ ص. جدول، نمودار.
فروست	: نشر ادیان؛ ۱۶۷.
شابک	: 978-600-7598-66-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۹۹ - ۳۰۷.
موضوع	: هستی شناسی (فلسفه اسلامی).
موضوع	: وحدت وجود (فلسفه اسلامی).
شناسه افزوده	: دانشگاه ادیان و مذاهب.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ح ۵/۵۵۵ BBR
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۸۰۴۱۶

آلاء فلسفه

روایتی نواز فلسفہی اسلامی

یاسر حسین پور



نشر ادیان



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه‌السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تلفن: ۱۳ - ۳۲۸۰۲۶۱۰، (۰۲۵) ۳۲۸۰۳۱۷۱، (۰۲۵) ۳۲۸۰۶۶۵۲
تلفکس مرکز پخش و فروش: (۰۲۵) ۳۲۸۰۶۶۵۲
فروشگاه اینترنتی:

www.urd.ac.ir www.Press.urd.ac.ir press@urd.ac.ir

فلاح فلسفه

روایتی نو از فلسفه‌ی اسلامی

- تألیف: یاسر حسین پور
- ناشر: نشر ادیان
- نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۸
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- چاپ: موسسه بوستان کتاب
- قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۸-۶۶-۵

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فلسفه؛

آنچنان که می خوانم

همچنان که فهمیدم

یک کار دیگری هم که به نظر من جایش خالی است، نوشته‌هایی درباره فلسفه تطبیقی است؛ شبیه آن کاری که ویل دورانت در «لذات فلسفه» کرده، که لابد ملاحظه کرده‌اید. «لذات فلسفه» یک کتابی است که با ادبیات خیلی شیوا و شیرینی نوشته شده. این کتاب، مباحثه و مناظره بین فلاسفه قدیم و جدید غرب است در یک مسأله خاصی؛ مثل این‌که این‌ها یک جلسه‌ای تشکیل داده‌اند و دارند با هم بحث می‌کنند؛ هگل یک چیزی می‌گوید، بعد کانت جواب او را می‌دهد، بعد دکارت حرف خودش را می‌زند؛ همین‌طور دانه‌دانه این‌ها شروع می‌کنند با هم‌دیگر بحث کردن ... اگر [در فلسفه اسلامی] یک چنین کار شیرین و شیوایی انجام بگیرد، چقدر خوب است اگر فرضاً این‌ها (فلاسفه اسلامی) با هم‌دیگر بحث کنند، چقدر چیز قشنگی از آب در می‌آید. این‌ها حکمت را ترویج می‌کند، و ما امروز به این ترویج احتیاج داریم.

مقام معظم رهبری

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه مؤلف.....	۱۵

بخش اول: کلیاتی درباره فلسفه

فصل اول: مقدمه.....	۱۹
چیستی فلسفه.....	۲۰
ضرورت فلسفه.....	۲۰
موضوع فلسفه.....	۲۱
مسائل فلسفه.....	۲۲
روش فلسفه.....	۲۲
چیستی فلسفه اسلامی.....	۲۳
انواع فلسفه اسلامی.....	۲۳
جهات تأثیرگذاری اسلام بر فلسفه.....	۲۵
مکاتب فلسفی در فلسفه‌ی اسلامی.....	۲۶
رابطه‌ی فلسفه و دین.....	۲۷
روش مطالعه فلسفه.....	۲۹
فصل دوم: اشتراک معنوی وجود.....	۳۱

بخش دوم: اصالت وجود

فصل سوم: پیشینه اصالت وجود.....	۴۳
فصل چهارم: مقدمات اصالت وجود.....	۴۹
مفردات.....	۵۰
مقدمه اول.....	۵۵
مقدمه دوم.....	۵۸
مقدمه سوم.....	۵۸
مقدمه چهارم.....	۶۰
تفاوت در تفاسیر.....	۶۴

فصل پنجم: ادله اصالت وجود	۷۱
استدلال اول	۷۲
استدلال دوم	۷۳
استدلال سوم	۷۵
استدلال چهارم	۷۷
اشکال اول	۸۰
اشکال دوم	۸۲
اشکال سوم	۸۵
اشکال چهارم	۸۷
اشکال پنجم	۸۸
اشکال ششم	۹۰
ذوق تاله	۹۳
فصل ششم: فروعات اصالت وجود	۹۵
فرع اول	۹۵
فرع دوم	۹۶
فرع سوم	۹۶
فرع چهارم	۹۷
فرع پنجم	۹۹

بخش سوم: تشکیک در وجود

فصل هفتم: تشکیک در وجود	۱۰۳
تفسیر اول	۱۰۶
تفسیر دوم	۱۱۵
تفسیر سوم	۱۱۸
تفسیر چهارم	۱۲۴
عالم تشکیکی	۱۳۲
تسری تشکیک	۱۳۳
فصل هشتم: تشکیک در جامعه	۱۳۵
مفردات	۱۳۵
نظرات اندیشمندان غربی	۱۳۷
دو تلاش بی ثمر	۱۳۹
نظریه دورکیم	۱۳۹
طرح بحث در سنت اسلامی	۱۴۱

فصل نهم: تشکیک جامعه در قرآن.....	۱۴۵
مفردات.....	۱۴۵
استدلال اول.....	۱۴۹
استدلال دوم.....	۱۵۲
استدلال سوم.....	۱۵۳
استدلال چهارم.....	۱۵۴
استدلال پنجم.....	۱۵۵
فصل دهم: فروعات تشکیک در جامعه.....	۱۵۹
فرع اول: جامعه و سنت.....	۱۵۹
فرع دوم: جبر یا اختیار؟.....	۱۶۱
فرع سوم: تقسیمات و قطب‌بندی‌های اجتماعی.....	۱۶۴
فرع چهارم: آینده جامعه‌ها.....	۱۶۶

بخش چهارم: وحدت وجود

فصل یازدهم: مقدمه وحدت وجود.....	۱۷۱
فصل دوازدهم: تفاسیر وحدت وجود.....	۱۸۱
تفسیر اول.....	۱۸۲
تفسیر دوم.....	۱۸۲
تفسیر سوم.....	۱۸۳
تفسیر چهارم.....	۱۸۴
تفسیر پنجم.....	۱۸۵
تفسیر ششم.....	۱۸۶
تفسیر هفتم.....	۱۸۸
تفسیر هشتم.....	۱۸۸
تفسیر نهم.....	۱۸۹
تفسیر دهم.....	۱۹۰
تفسیر یازدهم.....	۱۹۰
تفسیر دوازدهم.....	۱۹۲
فصل سیزدهم: ادله وحدت شخصی وجود.....	۱۹۳
دلیل اول.....	۱۹۴
دلیل دوم.....	۱۹۵

۱۹۶		دلیل سوم
۱۹۶		دلیل چهارم
۱۹۷		دلیل پنجم
۲۰۰		دلیل ششم
۲۰۵		فصل چهاردهم: تداخل وجودی
۲۱۵		سؤال اول
۲۱۵		سؤال دوم
۲۱۶		سؤال سوم
۲۱۶		سؤال چهارم
۲۱۷		سؤال پنجم
۲۱۷		سؤال ششم
۲۱۹		سؤال هفتم
۲۲۰		سؤال هشتم
۲۲۰		سؤال نهم
۲۲۲		سؤال دهم
۲۲۳		فصل پانزدهم: فروع وحدت وجود
۲۲۳		فرع اول
۲۲۴		فرع دوم
۲۲۴		فرع سوم
۲۲۵		فرع چهارم
۲۲۶		فرع پنجم
۲۲۷		فصل شانزدهم: عالم عرفانی
۲۲۹		استدلال اول
۲۳۰		استدلال دوم
۲۳۰		استدلال سوم
۲۳۲		استدلال چهارم
۲۳۳		فصل هفدهم: علم موجودات
۲۳۷		دلیل اول
۲۳۹		دلیل دوم
۲۴۰		دلیل سوم
۲۴۲		دلیل چهارم
۲۴۳		دلیل پنجم
۲۴۷		کتابنامه

سخن ناشر

فلاح فلسفه، بنا دارد یک دوره فلسفه اسلامی را به شیوه‌ای نو روایت کند. فلسفه اما بخش‌های متنوعی دارد. در این جلد از کتاب مباحث مربوط به هستی‌شناسی فلسفی مرور می‌شود. انسان‌شناسی، خداشناسی و معرفت‌شناسی نیز از سایر مباحث فلسفی به‌شمار می‌آیند که باید به آنها نیز پرداخته شود. فلسفه اسلامی، به لطف فلسفه‌ورزی دقیق اندیشمندان ایرانی و اسلامی در طول تاریخ، حتماً دارای مبانی اصیل، پخته و استواری است. نشر و ترویج این میراث گران‌قدر و همچنین رشد و توسعه کمی و کیفی از طرق مختلف قابل حصول است. از جمله این راه‌ها، ارائه ساده و خواناتر آن است. گمان می‌رود فلاح فلسفه، قادر به بیان روان و عام‌پسند مطالب سنگین فلسفی است. «فلسفه در قالب گفتگو» ویژگی اصلی این کتاب است. فلاسفه بزرگ اسلامی، در این کتاب، بدون لحاظ تقدم و تأخر زمانی، درمورد مسائل مختلف فلسفی گفتگو می‌کنند؛ از یکدیگر استدلال طلب می‌کنند و به نقد آرای هم می‌پردازند. نویسنده این کتاب، علاقه‌مندی خود را به آرای فلسفی استاد فیاضی، به‌عنوان یکی از اساتید مطرح فلسفه در عصر حاضر، در قالب این گفتگوها نشان داده است. نشر ادیان پس از ملاحظه این ویژگی‌ها تصمیم به چاپ این کتاب گرفت و بر خود لازم می‌داند از تلاش نویسنده جوان آن قدردانی نماید.

مقدمه مؤلف

فلاح فلسفه براساس «ضرورت» نوشته شده است. ضرورت ترویج فلسفه، ضرورت ایجاد و تقویت گفتمان گفت‌وگو در مسائل فلسفی و ضرورت عبور عالمانه از داشته‌ها و تحصیل تازه‌ها.

آنچه در فلاح فلسفه رخ می‌دهد دست‌کم حاوی دو جنبه اساسی است: جنبه داستانی و جنبه محتوایی.

جنبه داستانی دو ویژگی اساسی دارد: با زمان بیگانه است، طوری که گویا اصلاً زمانی نیست. فلاسفه همگی هم‌عصر یکدیگرند و درعین‌حال از فرآورده‌های علمی هم آگاه هستند. حجاب معاصریت قسمت مفقود فلاح فلسفه است. معاصریتی که خود فقط در فلاح فلسفه یافت می‌شود. دیگر آنکه حوادث و اتفاقات نیز جز خیال نیستند و لزوماً حتی مشابه حقیقی ندارند.

جنبه محتوایی نیز دو ویژگی اساسی دارد: آنچه که هست فهم مؤلف است از بیان بزرگان و بدیهی که صحت، صفت ضروری آن نیست و همچنین آنچه از زبان آنها بیان می‌شود ضرورتاً معتقد آنها نیست.

غلبه روح فلسفه بر داستان، تعمدی است چون به نظر ضروری است و گاهی به ضرورت اصل عبارت‌ها چه در متن و چه در پاورقی آمده است. هرچند عباراتی که در متن به کار رفته‌اند، گاهی دچار تلخیص و حتی تغییر شده‌اند.

فلاح فلسفه پیش‌رو، صرفاً شامل مباحث «هستی‌شناسی» فلسفه است اما به امید خداوند در چهار قسمت: خداشناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و فلسفه‌ی مضاف ادامه خواهد یافت.

بخش اول:

کلیاتی درباره فلسفه

فصل اول: مقدمه

خیلی طول کشید تا بتوانم برای انجام یک مصاحبه کوتاه از استاد^۱ وقت بگیرم. سؤالاتی در ذهن داشتم که فکر می‌کردم فقط از ایشان می‌توانم بپرسم. پاسخ آن‌ها را هیچ‌کس همچون او نمی‌توانست به من بدهد. بعد از پیگیری سخت و انتظار فراوان توانستم دقایقی را هرچند کوتاه برای انجام یک پرسش و پاسخ فلسفی فراهم کنم. بعد از نماز صبح و البته بعد از جلسه تفسیری که هر روز بعد از نماز در مسجد برگزار است، فرصتی برای انجام یک مصاحبه کوتاه بود:

۱. حضرت آیت‌الله غلامرضا فیاضی در سال ۱۳۲۸ و در سال‌روز ولادت امام رضا (ع) در قم دیده به جهان گشود. استاد کودکی‌شان را این‌گونه روایت می‌کنند: من یک شاگرد بنا بودم؛ به‌دلیل اینکه پدرم بنا بود و مرا سر کار می‌برد. بعد از ظهر یکی از روزهای اواخر تابستان، پدر ما در منزل امام جماعت مسجد محل، سفیدکاری می‌کرد. کار من نیز این بود که گچ الک می‌کردم. نمی‌دانم چطور شد که ایشان بدون مقدمه به پدر گفتند: «وقتی فرزند شما کوچک‌تر بود، می‌گفتید می‌خواهم بگذارم طلبه شود. هنوز هم نظرت همین است؟» پدر موافقت کرد و ایشان ادامه داد: «دیگر پسر را سر کار نبر. حیف است کسی که می‌تواند تالاساز شود، شما لبو فروش سر محلس کنید».

وارد حوزه علمیه که شد از اساتید متعددی در ادبیات، منطق، فقه، اصول، تفسیر و فلسفه و حتی علم هیئت بهره گرفت. از جمله آیات عظام گلپایگانی، فاضل لنکرانی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی. ایشان اکنون از اساتید مشهور فلسفه در قم هستند و به تدریس اسفار مشغول‌اند. همچنین «ریاست هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی» و «مدیریت مرکز تخصصی فلسفه اسلامی»، برخی از مسئولیت‌های ایشان است. نظرات فلسفی ایشان، سال‌هاست مورد توجه اساتید، پژوهشگران و محققان فلسفه واقع شده‌است. (ر.ک: سیدمحمدجواد میرجعفری میاندھی، جبر فلسفی از دیدگاه استاد فیاضی، ص ۱۸-۲۱ و مصاحبه استاد با مجله حاشیه، شماره ششم و هفتم، ص ۲۸-۳۳)

چیستی فلسفه

- با تشکر از حضرت عالی به خاطر وقتی که در اختیار بنده گذاشتید به عنوان اولین سؤال می‌خواهم از اصل فلسفه و چیستی آن بپرسم. فلسفه چیست؟
- فلسفه در لغت، معرب واژه یونانی فیلسوفیا بوده است که مرکب از دو بخش «فیلو» و «سوفیا» است. «فیلو» به معنای محبت و دوست داشتن یا به معنای محب و دوستدار؛ و «سوفیا» به معنای دانش و حکمت است. بنابراین فلسفه به معنای «دوست داشتن دانش و حکمت» یا به معنای «دوست دار حکمت» است.

اما فلسفه در اصطلاح، در معرض تعریف‌های گوناگونی قرار گرفته و در هر تعریف محدوده علم فلسفه تغییر کرده است، به نحوی که امروزه فلسفه به «هر نوع تفکر عقلانی نظام‌مند که درباره مسائل بنیادی بشر باشد» اطلاق می‌شود. و اصلاً باید گفت «فلسفه همه‌ی آن مسائلی است که عقل آنها را می‌فهمد». در واقع «هرچه درباره هستی باشد و با عقل فهمیده شود، فلسفه است».

ضرورت فلسفه

- چرا باید فلسفه خواند؟ به عبارت دیگر مطالعه فلسفه و پرداختن به آن چه ضرورتی دارد؟

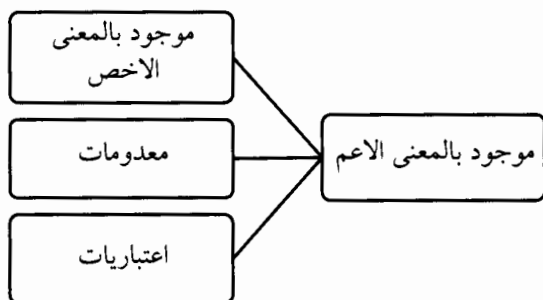
- هر انسانی در زندگی خود در برابر پرسش‌های فراوانی قرار دارد که بعضی از آنها مهم‌تر هستند. مهم‌ترین پرسش‌ها سؤالاتی است که انسان درباره «هستی و وجود» دارد، مانند آنکه آیا شیئی وجود دارد یا خیر؟ آیا آن شیئی واحد است یا کثیر؟ در فرض کثرت، آیا بعضی موجودات با موجودات دیگر ارتباط علی دارند یا نه؟ و در صورت ارتباط آیا سلسله علل به مبدأ مستقل ختم می‌شوند؟ آن مبدأ مستقل در صورت وجود، چه ویژگی‌هایی دارد؟ نیز پرسش‌هایی از این قبیل که آیا انسان با موت فانی می‌شود یا آنکه موت صرفاً انتقال از موطنی به موطن دیگر است؟ تفکر در

مورد این سؤالات و جست‌وجو برای یک پاسخ مناسب که جز با عقل نمی‌توان آنها را پاسخ گفت، زندگی انسان را معنادار می‌کند و اساساً وجه تمایز حیات انسانی از حیات و زندگی حیوانی است و سنگ بنیان زندگی انسان را بنا می‌نهد. پاسخ صحیح و متقن به این سؤالات جهان‌بینی و ایدئولوژی مستحکمی را تشکیل می‌دهد که سعادت نهایی انسان وابسته با آن است. این در حالی است که حس و تجربه نمی‌توانند پاسخ‌گوی این سؤالات باشند. فلسفه خواندن از آن جهت ضروری است که عقل‌ورزی نظام‌مندی است برای رسیدن به حقایق اینچنین در انحصار عقل.

کما اینکه از امام رضا علیه السلام روایتی نقل شده است که ذیل آیه شریفه «من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل سبیلاً» می‌فرماید: «یعنی اعمی عن الحقایق الموجودة».^۱ این حقایق در انحصار عقل است و فلسفه‌ی اسلامی همین تعقل نظام‌مند جهت‌داری است که خوانشش ضروری است.

موضوع فلسفه

- هر علمی موضوعی دارد. طبیعتاً فلسفه نیز از این قاعده مستثنا نیست. موضوع علم فلسفه چیست؟ و فلاسفه از چه چیز سخن می‌گویند؟
- فلاسفه عمدتاً موضوع فلسفه را «موجود بما هو موجود» یا «موجود مطلق» می‌دانند و منظورشان، موجود به معنای اخص آن است، درحالی‌که به نظر می‌رسد موضوع فلسفه وسیع‌تر و فراتر است. درحقیقت موضوع فلسفه «موجود به معنای اعم» است. بنابراین فلسفه، علمی است که از وجود مطلق به معنای اعم بحث می‌کند و بحث از اعدام و اعتباریات نیز جزء اصلی و حقیقی مسائل فلسفه است.



مسائل فلسفه

- مسائل فلسفه کدام هستند؟

- مسائل فلسفه، جمیع احکامی هستند که عوارض ذاتی موضوع علم فلسفه‌اند و در این نظر تفاوتی نمی‌کند که آن احکام نظری باشند یا بدیهی. هر دو قسم، مسأله‌ای فلسفی‌اند. بنابراین اگر موضوع علم را، موضوع قرار دهیم و عوارض ذاتی را بر آن حمل کنیم، مسأله فلسفی تشکیل می‌شود.

روش فلسفه

- هر علمی روشی دارد؛ بعضی تجربی و بعضی عقلانی هستند. روش تحقیق فلسفه چیست؟

- روش تحقیق در علم فلسفه، عقلانی است که از راه برهان به دست می‌آید. البته روش عقلی به معنای استفاده از استدلال به معنای خاصش نیست بلکه به معنای استفاده به معنای عام آن است: وقتی می‌گوییم فلسفه، علمی استدلالی است و روش آن با استدلال عقلی پیش می‌رود، استدلال عقلی به معنای استدلال منطقی نیست، بلکه استدلال به معنای لغوی آن است که هم شامل بدیهیات فلسفه و هم شامل مسائل نظری فلسفی

می‌شود. بسیاری گفته‌اند: مسأله اصالت وجود از بدیهیات است، ولی درعین حال یکی از مسائل فلسفه است. مثلاً اثبات وجود خدا یکی از مسائل فلسفی است، ولی گاهی گفته می‌شود وجود خدا از باب «أفی الله شک؟»^۱ بدیهی است یعنی از فطریات است، این بداهت آن را از مسأله فلسفی بودن خارج نمی‌سازد؛ همان گونه که در هر علمی این گونه است.

چیستی فلسفه اسلامی

- به طور خاص فلسفه را در یک تقسیم‌بندی به فلسفه‌ی اسلامی و مثلاً فلسفه‌ی غرب و یا حتی فلسفه‌ی شرق تقسیم می‌کنند. مراد از ترکیب «فلسفه‌ی اسلامی» چیست؟

- البته ظاهراً هیچ یک از فیلسوفان اسلامی از کندی تا علامه طباطبایی، فلسفه‌ی خود را به «اسلامی» متصف نکرده‌اند، بلکه ایشان واژه‌ی فلسفه را به شکل مطلق به کار برده‌اند. به نظر می‌رسد اصطلاح «فلسفه‌ی اسلامی» در دهه‌های اخیر بر سر زبان‌ها افتاده است؛ اما قاعدتاً فلسفه را به اسم نتیجه‌اش نامگذاری می‌کنند. این فلسفه‌ای که به اسلامی مشهور شده است، و البته انواعی دارد، حکمتش آن است که به طور کلی با اسلام منطبق می‌شود، وجود خداوند و توحید او را با روش عقلی و استدلالی اثبات می‌کند و حتی به صفات او می‌پردازد و وارد مسائلی همچون معاد و نبوت نیز می‌شود. این فلسفه‌ی محصل، اسلامی است، در برابر فلسفه‌ی لائیک یا فلسفه‌های دیگر.

انواع فلسفه اسلامی

- فرمودید فلسفه اسلامی انواعی دارد. این انواع کدامند؟
- فلسفه و یا هر علم اسلامی دیگری می‌تواند به سه صورت تحقق پذیرد: عام، خاص و ناب.

«فلسفه ناب اسلامی» یعنی «معرفت هستی، هستی‌شناسی و شناخت واقعیات جهان، چنان‌که هست و در آیات و روایات آمده است؛ نه در حد فهم ما، بلکه در حد فهم معصومان». چون اگر آنها از آیات ظاهرش را می‌فهمند، درست می‌فهمند، به باطن هم راه دارند، ولی ما اصلاً به آن راه نداریم، اگر هم داریم چه‌بسا تخیل باشد و واقعیت نباشد و اساساً همان‌گونه که در فهم ظاهر خطا هست، در فهم باطل احتمال بیشتر است.

نوع دیگر فلسفه، «فلسفه خاص اسلامی» است که توسط متخصصان و مجتهدان، مسائل از خود کتاب و سنت استخراج می‌شود. این فلسفه قابل تحقق است، اما یک آرمان و آرزوست و ازاین‌رو «فلسفه‌ی اسلامی خاص» فلسفه‌ی آرمانی اسلامی است و ما باید به دنبال تدوین چنین فلسفه‌ای باشیم.

فلسفه خاص اسلامی، از سه راه قابل دستیابی است:

۱. خود قرآن مطلبی را به صراحت گفته باشد. مانند آنکه می‌گوید: «فاعلم انه لا اله الا الله»^۱.

۲. استدلال‌های عقلی که در خود قرآن و بیشتر از آن در روایات آمده است. مانند اینکه ما از آیاتی مثل «أفئ الله شك؟» می‌فهمیم که وجود خداوند بدیهی است.

۳. مسائلی که به‌صورت تعلیل آمده است.

پس اگر مسائلی که قرآن به‌صورت بدیهی مطرح می‌کند یا مسائلی را که قرآن و روایات بر آنها استدلال می‌کنند و نیز تعلیل‌هایی که در قرآن آمده است، در یک نظامی جمع‌آوری شوند، فلسفه‌ی اسلامی خاص خواهد بود.

علاوه بر اینها، «حجیت خبر واحد در اعتقادات» که بنده به آن معتقدم، یک نقش تعیین‌کننده و یک تأثیر بسیار عمیق در استنباط فلسفی از منابع دینی و تدوین فلسفه خاص اسلامی دارد.^۲ بسیاری از قدما و معاصران معتقدند خبر واحد فقط در احکام حجت است، اما به‌نظر می‌رسد حق با

۱. محمد: ۱۹.

۲. ر.ک: عبدالله محمدی، ارزش معرفت‌شناختی دلیل نقلی، فصل ششم، ص ۲۰۰-۲۴۵.

کسانی است که معتقد به حجیت خبر واحد، حتی در اعتقادات، هستند. کسانی که حجیت خبر واحد را فقط در احکام حجت می‌دانند، می‌گویند چون اثر عملی دارد؛ اما حقیقت آن است که اعتقاد هم اثری عملی است. من می‌خواهم بفهمم واقع چیست و به آن معتقد شوم. عمل که به عمل جوارحی منحصر نیست، عمل جوانحی هم عمل است.^۱ اما فلسفه‌ی موجود، نوع سومی از فلسفه است که «فلسفه‌ی عام اسلامی» است و به نحوی تحت تأثیر اسلام قرار دارد.

جهات تأثیر گذاری اسلام بر فلسفه

- به تأثیر اسلام بر فلسفه عام اسلامی اشاره کردید. اسلام از چه جهت می‌تواند بر فلسفه تأثیر بگذارد؟

- اسلام دست‌کم از چهار جهت بر فلسفه اثر می‌گذارد:

الف) جهت‌دهی و اهتمام به مسائل فلسفه: اسلام به بعضی مسائل مطرح در شناخت حقایق هستی ضریب می‌دهد، برجسته‌اش می‌کند و اهمیت آن را گوشزد می‌کند که در حقیقت آن مسائل، اصول باورهای اسلامی هستند: شناخت خداوند و صفات و افعال او، وحی و معاد. بنابراین فلاسفه اسلامی مثلاً به جای اینکه درباره خلأ و محال بودن یا نبودن آن بحث کنند، بیشتر به خداشناسی می‌پردازد.

ب) زمینه‌سازی برای پیدایش مسائل جدید در فلسفه: بحث اعاده معدوم به جهت ارتباطی که تصور می‌شده با معاد دارد یا مثلاً بحث بساطت خداوند متعال و قضا و قدر در فلسفه یونان نبوده، اما تحت تأثیر اسلام وارد فلسفه اسلامی شده است.

ج) ابداع استدلال‌های جدید: مثل برهان صدیقین که گفته‌اند ما آن را از آیه شریفه «اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید» الهام گرفته‌ایم و نیز استدلال بر توحید ربوبی با تقریر استدلال موجود در آیه «لو کان فیهما آلهه الا الله لفسدتا» به دست آمده است.

۱. ظرفیت شناسی علوم اسلامی در تحول علوم انسانی، ص ۲۲۲-۲۲۵.

د) تصحیح مسائل فلسفی و زدودن خطاهای پیشین: برای مثال «قدم عالم» از مسائل فلسفی پیش از اسلام است اما در فلسفه‌ی اسلامی با تکیه بر حجت‌های شرعی به غلط بودن آن پی برده‌اند و به تصحیح آن پرداخته‌اند. همین رویه «تصحیح»، خود موجب رشد و تحرک توأم با برکت در فلسفه اسلامی شده است. فلاسفه اسلامی در روند اصلاح این نظریه، «حدوث ذاتی» یا «حدوث دهری» را مطرح می‌کنند و البته سرانجام توسط صدرالمتألهین به «حرکت جوهری» متهمی می‌شود که براساس آن چیزی در عالم عمر ندارد تا گفته شود قدیم است؛ یعنی هرچه در این عالم هست، در لحظه پیشین نبوده است تا چه رسد به اینکه گفته شود همیشه بوده است. این نظریات حاصل رویکرد نقادانه فلاسفه اسلامی است برای تصحیح خطاهای پیشین. رویکردی که توسط باورهای دینی نشأت هدایت‌شده و سازندگی یافته است.

مکاتب فلسفی در فلسفه‌ی اسلامی

- در فلسفه‌ی اسلامی، چند مکتب ظهور و بروز یافته‌اند. نقطه اشتراک و یا اختلاف این مکاتب چیست؟ و دقیقاً چه چیز باعث شده است که برای فلسفه‌ی اسلامی چند انشعاب پدید آمده است؟

- در فلسفه‌ی اسلامی، برخلاف فلسفه‌ی غرب که مکاتب متعدد و متکثری دارد، عمدتاً با سه مکتب مواجهیم: «مکتب مشاء»، «مکتب اشراق» و «مکتب حکمت متعالیه». اگر بپذیریم که هر مسأله فلسفی در سه مرحله «طرح مسأله»، «استدلال بر مسأله» و «ملاحظه نتیجه» تکوین می‌یابد، باید بگوییم شباهت این سه مکتب فلسفی در مرحله دو، یعنی استدلال بر مسأله است و تفاوتشان در مرحله اول و سوم: طرح مسأله و ملاحظه نتیجه.

نحله‌های مختلف فلسفی که در فلسفه‌ی اسلامی داریم یعنی مشاء و اشراق و حکمت متعالیه، در مقام استدلال بر مسأله مشترک‌اند. یعنی همگی از طریق برهان و استدلال عقلی، سعی بر ادعای خود دارند، متها فرقی که هست این است که مشائین معمولاً طرح مسأله را صرفاً از همان